جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۸۶۷ | شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۸ | ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ |
غروب آفتاب: ۱۷:۴۵ | اذان مغرب: ۱۸:۰۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۳۶ | اذان صبح فردا: ۰۵:۲۷ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۵۱ |

دیده‌بان | مصطفی محمدی

دانشکده خبر تعطیل می‌شود

شرایط و گمانه‌زنی‌ها حاکی از تعطیلی قریب‌الوقوع دانشکده خبر است.

به‌گزارش مهر، دانشکده خبر به تازگی از پایگاه پذیرش دانشجو در نیم سال دوم دانشگاه جامع علمی کاربردی حذف شده و ظاهراً دانشجویان دانشکده نیز برای ادامه تحصیل به سایر مراکز آموزش عالی هدایت شده‌اند. دانشکده خبر، شامل مرکز آموزش روزنامه‌نگاری در رشته‌های مختلف از جمله خبرنگاری، عکاسی خبری و مترجمی خبر، در سال ۱۳۷۶ تاسیس شد. براساس مصوبه شورای عالی فرهنگی در زمستان ۹۶، سایر مراکز آموزش عالی وابسته به دولت باید واگذار یا منحل شوند. قرار بود دانشکده خبر (وابسته به خبرگزاری ایرنا) نیز به موسسه ایران (ناشر روزنامه ایران) منتقل شود اما هنوز مشخص نیست این روند در چه مرحله‌ای است.

«کرونا» جشنواره فیلم هنگ‌کنگ را به تعویق انداخت

چهل و چهارمین جشنواره و بازار فیلم بین‌المللی هنگ‌کنگ که قرار بود کمتر از شش هفته دیگر آغاز شود به دلیل ترس از شیوع ویروس کرونا تا تابستان آینده به تعویق افتاد.

به گزارش ایسنا، جشنواره بین‌المللی فیلم هنگ‌کنگ که طبق اعلام پیشین قرار بود از تاریخ ۲۴مارس تا ششم آوریل (پنجم تا ۱۸فروردین) برگزار شود، بنا بر اعلام مسئولان این رویداد سینمایی به سبب شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد و در تابستان آینده برگزار خواهد شد. پیش از این نیز کمپانی‌ها و سینماگران چینی نیز به سبب مشکلات در دریافت ویزا از حضور در هفتادمین جشنواره فیلم برلین و بازار فیلم اروپا انصراف داده‌اند. شیوع ویروس کرونا که امسال همزمان با سال نوی چینی گسترش یافت بیش از ۷۰هزار سالن سینمایی کشور چین، به عنوان دومین بازار بزرگ سینمایی جهان را به تعطیلی کشانده است و حتی محصولات هالیوودی نیز که بخش قابل توجهی از فروش خود را از محل گیشه چین کسب می‌کردند، متضرر شده‌اند.

پوشش کامل جشنواره موسیقی فجر در شبکه سپهر

مدیر شبکه سپهر رسانه از پوشش سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر در این شبکه خبر داد.

«حمیدرضا سرافرازی» مدیر شبکه سپهر رسانه معاونت فضای مجازی رسانه ملی گفت: تدارک گسترده‌ای برای پوشش جشنواره موسیقی فجر دیده‌ایم و در همین راستا دو برنامه ویژه طراحی شده است. وی ادامه داد: یک برنامه با عنوان سپهر آوا هر شب حوالی ساعت ۳۰دقیقه بامداد به مدت ۳۰دقیقه پخش خواهد شد، این برنامه ترکیبی شامل حواشی، معرفی گروه‌ها، گفت‌وگو با عوامل اجرایی، هیئت داوران، کارشناسان بخش‌های مختلف و... است.

سرافرازی اظهارداشت: افتتاحیه این برنامه با ارکستر سمفونیک سازمان صدا و سیما آغاز شده است و به صورت کامل از شبکه نوا معاونت فضای مجازی رسانه ملی پخش شد. وی ادامه داد: پنج سالن در حال اجرای موسیقی جشنواره فجر هستند و تیم‌های مختلف ما این سالن‌ها را پوشش می‌دهند. مدیر شبکه سپهر رسانه عنوان کرد: استودیویی را هم برای برنامه سپهر آوا در تالار وحدت در نظر گرفته‌ایم و گفت‌وگوهای تخصصی با حضور اساتید و اهل فن آنجا انجام می‌شود.

«ارتش سری» از آخر بهمن به سینماها می‌آید

فیلم سینمایی «خوب، بد، جلف؛ ارتش سری» از آخر بهمن روانه سینماهای کشور می‌شود.

به گزارش فارس، دومین قسمت از فیلم سینمایی «خوب، بد، جلف» با عنوان «ارتش سری» از ۳۰ بهمن در سینماهای سراسر کشور روی پرده می‌رود.

«ارتش سری» دومین ساخته پیمان قاسم‌خانی به تهیه‌کنندگی محسن چگینی و بازیگری پژمان جمشیدی، سام درخشانی و حامد کمیلی است. این فیلم ادامه‌ای بر داستان «خوب، بد، جلف» است که در سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت. پیش‌فروش بلیت‌های سانس‌های اولیه فیلم از شنبه در سینماتیکت آغاز می‌شود. «بانو فیلم» پخش این فیلم کمدی را بر عهده دارد.

قاسم‌خانی درباره این فیلم گفته است: دومین قسمت خوب، بد، جلف در اصل ۱۸۲دقیقه بود و برای نمایش آن در جشنواره زمانش را به ۱۱۵دقیقه کاهش دادیم و بخش زیادی از شوخی‌های فیلم هم حذف شد. «ارتش سری» در میان هشت فیلم برتر مردمی در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر قرار داشت.

در گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان «لباس شخصی» مطرح شد

«لباس شخصی‌ها» هنوز در هنر نفوذ دارند

■ محمدصادق عابدینی

فیلم سینمایی «لباس شخصی» یکی از پدیده‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر است؛ فیلمی که در آن به بخش دیده‌نشده‌ای از تاریخ انقلاب و یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های کشف شبکه جاسوسی در دهه ۶۰ می‌پردازد. امیرعباس ربیعی کارگردان فیلم «لباس شخصی» که اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند سینمایی‌اش را با موسسه «اوج» انجام داده است به باور خیلی‌ها می‌توانست یکی از مدعیان دریافت سیمرغ بخش نگاه نوی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر باشد در گفت‌وگو با «جوان» از چگونگی ساخت این فیلم می‌گوید.

چه شد برای اولین تجربه سینمایی سراغ تاریخ انقلاب اسلامی رفتید؟

من کلاً به ژانر سیاسی علاقه دارم و سینمای سیاسی را دنبال می‌کنم. فیلم‌های کوتاه و مستندی هم که ساخته‌ام تقریبا همگی به سیاست ربط داشته از موضوعاتی مثل حمله امریکا به عراق و اشغال آن کشور گرفته تا جنگ ۳۳ روزه و حتی اتفاقات سال ۸۸ و موضوع مدافعان حرم. برای ساخت فیلم بلند هم می‌دانستم که سراغ موضوع سیاسی خواهم رفت. حدود چهار سال پیش فیلمنامه‌ای نوشته بودم درباره سیستان‌وبلوچستان که قرار بود با حوزه هنری کار کنم که نشد، آن فیلمنامه هم موضوع سیاسی داشت.

پس احتمالا برای آینده هم باز سراغ ژانر سیاسی خواهید رفت؟

بله، قطعا، از همین الان می‌گویم که فیلم بعدی که خواهم ساخت موضوع سیاسی دارد و حتی به موضوعات آن هم فکر کرده‌ام.

چرا سراغ داستان حزب توده رفتید، در این باره مطالعه تاریخی داشتید؟

من درباره حزب توده شناختی نداشتم. نزدیک سه سال پیش بود که دوست عزیزی داستان کشف شبکه مخفی جاسوسی حزب توده را برایم تعریف کرد و دیدم چقدر داستان جذابی دارد.

اوج به شما پیشنهاد ساخت این فیلم را داد؟

نه، اصلا این کار سفارشی نیست. بچه‌های اوج حتی من را نمی‌شناختند. طرح فیلمنامه را که نوشتم آنها آن را خواندند و خوششان آمد، بعد وارد مذاکره برای قرارداد ساخت فیلم شدیم.

تقریبا همه بازیگران فیلم «لباس شخصی» از بازیگران تئاتری هستند که برای تماشاگر عادی سینما چهره‌های ناشناخته‌ای به شمار می‌آیند. علت انتخاب بازیگر تئاتری برای ناشناخته بودن چهره‌هایشان بود یا مسئله دستمزد ارزان‌تر آنها؟!

هر دو مسئله بود. فضای فیلم من معماگونه بود و ترجیح می‌دادم چهره بازیگران ناشناخته باشد و تماشاگر آنها را نشناسد. وقتی بازیگر چهره ناشناخته‌ای برای بیننده داشته باشد، سوابق او مخاطب را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد و حدس زدن قهرمان و ضد قهرمان فیلم برای تماشاگر سخت می‌شود. از طرفی هم بحث هزینه بود. من ترجیح می‌دهم اگر قرار است هزینه‌ای انجام شود برای خود فیلم باشد نه برای دستمزد بازیگر. از طرف دیگر بازیگران تئاتر از نظر بازیگری حرفه‌ای‌تر و متخصص‌تر هستند. خیلی‌هایشان درس خوانده بازیگری هستند و زحمت کشیده‌اند. در فیلم «لباس شخصی» بازیگران اغلب بیش از ۲۰سال سابقه کار تئاتر دارند.

بازی‌های خوبی از تیم بازیگری شاهد بوده‌ایم، احتمالا «لباس شخصی» شروع ورود چهره‌های جدید به سینما باشد!

معتقدم سینما نیازمند ورود چهره‌های جدید است. همان‌طور که هر ساله فیلمسازان فیلم اولی با فیلم‌های خوبی که می‌سازند، کار را برای فیلمسازان پیشکسوت سخت می‌کنند، درباره بازیگری هم ورود بازیگر جدید، هشداری برای بازیگران قدیمی‌تر است که فقط به فکر دستمزد بالا نباشند و اگر خود را ارتقا ندهند، جایگاه‌شان از سوی بازیگران جدید به خطر می‌افتد.

فضای فیلم به «ماجرای نیمروز» شباهت دارد، چقدر تحت تاثیر این فیلم در ساخت «لباس شخصی» قرار داشتید؟

اصلا بحث تاثیرپذیری نبوده است. وقتی من در مرحله تحقیق فیلم «لباس شخصی» بودم، تازه فیلم «ماجرای نیمروز» در جشنواره فجر رونمایی شد. تا پیش از آن هم نمی‌دانستم که چنین فیلمی در حال ساخت است اما نکته این است که حوادث ماجرای نیمروز و لباس شخصی در یک دوره تاریخی مشترک یعنی سال‌های ۶۰تا ۶۲ می‌گذرد. اسناد و تصاویر آرشیوی آن دوره وجود دارد و اینکه هر دوی ما تلاش کردیم که در فضاسازی به تصاویر مستند نزدیک شویم و روایت مستند داشته باشیم، برای همین است که دو فیلم از این نظر به هم شباهت دارند اما تقلیدی انجام نشده است.

در تیتراژ فیلم از محمدحسین مهدویان تشکر کرده‌اید، نقش مهدویان در ساخت «لباس شخصی» چه بود؟!

حسین عزیز در مرحله فیلمنامه به من کمک کرد. من متن فیلمنامه را برای مهدویان می‌فرستادم و او نظراتش را درباره آن به من می‌گفت و از تجربه‌اش استفاده می‌کردم.

در نشست رسانه‌ای فیلم نقدهایی به «لباس شخصی» وارد شد، از جمله روایت تاریخی و اینکه هنوز نفوذی‌ها و لباس شخصی‌های حزب توده در میان سیاسیون و هنرمندان حضور دارند، این نقد چقدر وارد است؟

اگر کسی درباره تاریخ و مسائل تاریخی فیلم بحث و ادعا دارد و مدعی است روایت مخدوشی ارائه شده، اسناد و مدارکش را بیاورد. فیلم «لباس شخصی» پژوهشگر تاریخی دارد و می‌توانند با هم بحث کنند اما در مورد بحث نفوذ، همان طور که در پایان فیلم اشاره شد، طیف خاصی مدنظر نبود. کاراکتر فیلم هم می‌گوید که به جز شاخه نظامی که کشف شد، سران شاخه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هیچ وقت کشف نشده‌اند. آنها هنوز هم حضور دارند و فعالیت می‌کنند. من در جواب آن منتقدی که گفت چرا در فیلم گفتی «هنرمندان»، گفتم من هم هنرمندم و قطعا نیتم زیر سؤال بردن هنرمندان نیست ولی واقعیت این است که افرادی که با شاخه مخفی حزب توده در ارتباط بودند دستگیر نشدند و فعالیت‌ها و اندیشه‌های آنها ادامه داشته است، الان هم رفتارهای مارکسیستی برخی از هنرمندان را می‌بینیم.

سکانس معرفی فیلم که از سوی دبیرخانه جشنواره منتشر شده بود، در نسخه جشنواره حذف شده بود، چرا این سکانس را سانسور کردید؟

آن سکانس را بنا به صلاحدیدی حذف کردیم. غیر از آن یک سکانس دیگر هم بود که در نسخه اکران شده در جشنواره نیست. درباره حذف آن سکانس در نشست خبری جشنواره توضیح دادم. دلیل حذف هم اختلاف بین من و تهیه‌کننده یا سازمان اوج نبود، موضوع بیرون از این مسائل است و ما هیچ اختلافی نداریم و تمام قد از فیلمم دفاع می‌کنم.

فکر نمی‌کنید جای «لباس شخصی» در بخش سودای سیمرغ خالی بود؟

من شنیده‌ام علت اصلی راه پیدا نکردن «لباس شخصی» به بخش سودای سیمرغ برخورد سلیقه‌ای چند تن از اعضای هیئت انتخاب بوده است. وظیفه ذاتی هیئت انتخاب، گزینش فیلم‌های شایسته برای معرفی به بخش سودای سیمرغ است ولی اگر اعضا به صورت حرفه‌ای رفتار نکنند باید پاسخگو باشند. من حتی شنیده‌ام که هیئت داوران بخش نگاه نو به جشنواره اعتراض کرده‌اند که چرا «لباس شخصی» در سودای سیمرغ نیست.

حکمت

حکمت ۴۶۲

چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند.

نما | حسین کشتکار

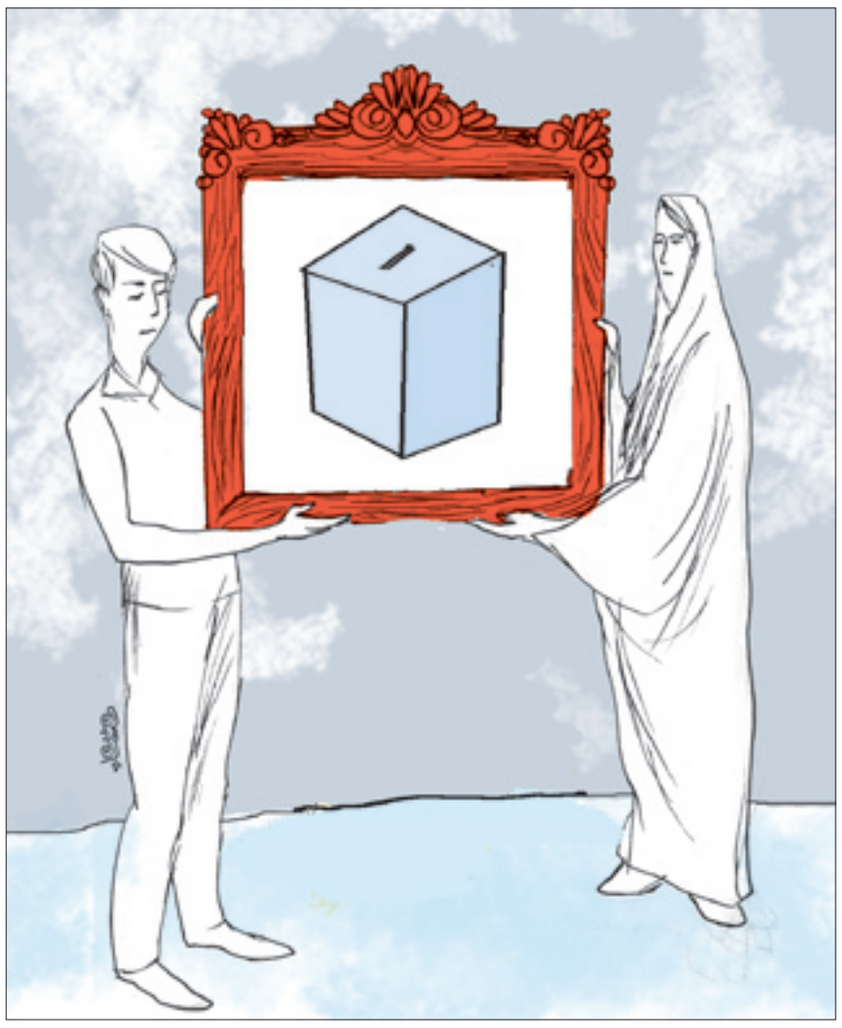

غیرمردمی و بی‌کارکرد مثل جشنواره «مد و لباس» فجر!

سازوکار و مُد معرفی شده در جشنواره‌هایی همچون جشنواره مد و لباس فجر برای مردم جامعه بی‌کارکرد است و ذائقه‌سازی مناسبی در زمینه مُد ایرانی- اسلامی برای آنان ندارد

این سؤال مهم و قابل تأملی است که جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی که هر ساله با عنوان مد و لباس به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شود تا چه اندازه تاثیرگذاری روی جامعه دارد و مردم آنها را محل رجوع می‌دانند.

در این باره مهر گزارش می‌دهد: به کلیت فرایندها، نهادها، سازمان‌ها، بودجه‌ها، جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و... که در سال‌ها و دهه‌های اخیر با محوریت فرهنگ‌سازی در خصوص «مد و لباس» در کشور ایجاد و راه‌اندازی و مصرف شده‌اند نگاهی بیندازیم. به نظر می‌رسد مجموعه این برنامه‌ها عموماً با هدف نوعی برنامه‌ریزی برای بهبود یا فرهنگی جلوه کردن مسئله پوشش در جامعه ایرانی به راه افتادند. در خلال شکل‌گیری و حیات این مجموعه عریض و طویل مناسبات بسیار و البته گاه سودمندی بین مدیران فرهنگی و طراحان و دست‌اندرکاران و متخصصان حوزه مد و لباس شکل گرفت که هر کدام را می‌شود در جای خود بررسی و ارزش‌گذاری کرد. بسیاری از نیروها و بودجه‌ها و... در این حوزه گرد هم آمدند تا مثلاً به رغم نظارت و مطالعه نقصان‌های موجود در این حوزه، تا آنجا که مقدور است به برنامه‌ریزی و ترویج و حمایت‌هایی دست بزنند که کلیت جامعه ایرانی نهایتاً در زمینه نوع انتخاب پوشش و مد و لباس و... نشانگر نوعی جامعه‌ای برخوردار از عقلانیت فرهنگی و همچنین ارزش‌های بومی و سرزمینی و... باشد.

به این ترتیب باید پذیرفت که جامعه ایرانی باید تحت تأثیر این سازوکارهای برنامه‌ریزی شده، طی برگزاری همه جشنواره‌ها و همایش‌ها و نمایشگاه‌ها و... در مسیری قرار بگیرد (یا لااقل به این مسیر متمایل شود) که از نظر فرهنگی معرف عقلانیت ویژه‌ای باشد که توسط این سازوکارها و مجموعه‌ها در زمینه انتخاب پوشش و انواع مد و لباس و... ترویج می‌شده است.

آیا امروز مردم جامعه ایرانی، به ویژه طبقه متوسط شهری که علی‌القاعده باید مخاطبان اصلی نهادهای فرهنگی و هنری رسمی باشند، منتظرند تا سال به سال نمایشگاه یا جشنواره فلان مد و لباس ایرانی برگزار شود، تا مد سال و رنگ سال و کفش و کیف و شلوار و بلوز و... مصرفی خویش را بر مبنای ایده‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های آن نمایشگاه یا جشنواره خریداری و تهیه کنند. چنین به نظر نمی‌رسد، زیرا بسیاری از جوانانی که اغلب پیگیر جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های عمومی مد و لباس هستند معتقدند طرح‌های ارائه شده از سوی جشنواره‌ها با سلایق عمومی جامعه همخوانی ندارد. همچنین زمانی وجود نهادهای متولی قادر به اثربخشی خواهند بود که بتوانند دوستداران این حوزه را به سمت طرح‌های جدید و به‌روز با سبک ایرانی-اسلامی سوق دهند، در غیر این صورت وجود این نهادها در جامعه روزبه‌روز کمرنگ‌تر شده و ماهیت اصلی‌اش را از دست می‌دهد. نباید جشنواره‌ها به گونه‌ای باشند که تهی از هرگونه کارکرد باشند و نسل جوان ما حس کند که این نوع جشنواره‌ها تنها یک دورهمی ساده است تا دانشجویان این حوزه برای جمع کردن رزومه در این فستیوال‌ها شرکت کنند و کسب سودی داشته باشند.

«مهپاره اکبری» طراح و تولیدکننده مد و لباس که به جمع‌آوری و مجموعه درآوردن لباس‌های اقوام مشغول است، به مهر می‌گوید: به اعتقاد من تماماً برگزاری این جشنواره‌ها، همایش‌ها و نمایشگاه پول خرج کردن صرف است و هیچ‌گونه خاصیتی ندارد اما هست و هر ساله جشنواره‌های مختلف برگزار می‌کنند و موفق هم نبودند. به جای این فعالیت‌ها کاری کنند که لباس خوب و مناسبی را به عنوان لباس ملی به مردمانمان معرفی کنیم. شما تصور کنید که لباس‌های سنتی که در جهت لباس اقوام طراحی کرده‌ام در انبار خاک می‌خورد، اما کسی برای توسعه لباس‌های اقوام اقدامی نمی‌کند. من با تحقیقات و پژوهش برای حفظ میراث فرهنگی کشورم لباس‌های مختلف استان‌های مختلف را موردنظر قرار دادم تا این فرهنگ گم نشود، به اعتقاد من لباس‌های اقوام فوق‌العاده مُد دارد. مردم باید سعی کنند در مراسم‌های مختلفی که دارند، از این لباس‌های اقوام استفاده کنند.

جبار آذین منتقد سینما و تلویزیون:

«از سرنوشت» امیدبخش و آسیب‌شناسانه است

■ مصطفی شاه‌کرمی

یک منتقد سینما و تلویزیون معتقد است، سریال «از سرنوشت» که روایتی از دوستی و رفاقت و همچنین امیدبخشی و تلاش برای رسیدن به آرزوهاست، به دلیل نگاه آسیب‌شناسانه‌ای که به مسائل اجتماعی دارد، قابل اعتناست.

«از سرنوشت» سریالی است که این روزها از شبکه ۲ سیما در حال پخش است و توانسته نظر مخاطبان بسیاری را به خود جلب کند. داستان اصلی این سریال از خانه الیاسی که چندین نفر از پسران بی‌سرپرست و بدسرپرست را تحت حمایت خود درآورده، شروع می‌شود. این سریال روایتگر همدلی و رفاقت بین دو پسربچه به اسم سهراب و هاشم است که در این خانه شکل می‌گیرد. در واقع سهراب و هاشم که در خانه الیاسی به سرپرستی آقای خندان حضور دارند رفاقتی عمیق را رقم می‌زنند و آرزوهای بزرگی را در سر می‌پرورانند. نمایش فراز و نشیب‌های ابعاد مختلف زندگی این دو کاراکتر محور اصلی و دستمایه روایت اتفاقات این سریال قرار گرفته است. شخصیت‌پردازی سهراب و هاشم با لحاظ کردن ویژگی‌های خاص رفتاری به شکلی طراحی شده که به راحتی یکدیگر را پوشش می‌دهند. در مقایسه با دیگر سریال‌هایی که به موضوعات تکراری می‌پردازند، سریال «از سرنوشت» حرکت متفاوتی را در درام‌سازی و کار اجتماعی و برخورد با آسیب‌ها و معضلات روی آنتن سیما رقم زده است. «از سرنوشت» از نقش و تأثیر تعیین‌کننده انسان‌ها در ساختن سرنوشت و آینده خود با تکیه بر امیدها، ایمان‌ها و آرمان‌ها سخن می‌گوید. «جبار آذین» منتقد سینما و تلویزیون در رابطه با سریال «ازسرنوشت» به فارس می‌گوید: گزینش و چینش شخصیت‌ها و بازیگران از جمله ویژگی‌های این سریال است. نگاه روانکاوانه به ابعاد وجودی آدم‌ها و چگونگی زندگی آنها و همچنین در امتداد زندگی و قرار دادن کاراکترها در معرکه مسائل و مشکلات و نمایش تاثیر عملکرد آنها در اجرای سرنوشت خود به پردازش و داستان‌سازی خوب «ازسرنوشت» انجامیده است. بازیگران «ازسرنوشت» هم از حرفه‌ای‌ها و جوانان ترکیب شده که به رغم فراز و فرودبازی‌ها، با ایفاگری نقش‌ها توانسته‌اند با هدایت درست کارگردان‌ها یکدست شوند.

آذین در ادامه می‌افزاید: با توجه به نوع زندگی و آتیه‌سازی کودکان بدون سرپرست، در کنار نگهداری از آنها لازم است برای ادامه زندگی آنان در سنین بالاتر هم تمهیداتی اندیشه شود تا فقر و بیکاری و بی‌توجهی‌های اجتماعی مانع پیشرفت‌شان نشود و خوب بود سازندگان «از سرنوشت» به این مورد هم می‌پرداختند. سریال «از سرنوشت» توسط روح‌الله صدیقی، محمدمحمود سلطانی و سارا خسروآبادی به رشته تحریر درآمده و در سه فصل مجزا فیلمبرداری شده که کارگردانی فصل اول و سوم آن را محمدرضا خردمندان برعهده داشته و فصل دوم را علیرضا بذرافشان جلوی دوربین برده است.

تجسمی

تهدید به مرگ هنرمند پرتغالی به دلیل خلق یک کاریکاتور

کاریکاتوریست پرتغالی به دلیل خلق یک کارتون علیه جنایات نتانیاهو و رژیم صهیونیستی توسط حزب لیکود تهدید به مرگ شد.

به گزارش مهر، واسکو گارگالو کاریکاتوریست پرتغالی به دلیل خلق یک کارتون در نشریه سابادو علیه جنایات نتانیاهو و رژیم صهیونیستی توسط حزب لیکود تهدید به مرگ شد. این برای اولین بار نیست که یک کاریکاتوریست از سوی اسرائیل ترور یا تهدید به مرگ می‌شود. در سالگرد شهادت ناجی العلی که به دلیل طرح‌های گزنده‌اش به‌دست موساد در لندن ترور شد، تاکنون هنرمندان کاریکاتوریست دیگری همچون کارلوس لطوف از برزیل، آنتونیو آن تونس از پرتغال و سیدمسعود شجاعی طباطبایی از ایران رسماً تهدید شده‌اند.

این بار جرم واسکو گارگالو این است که در کارتون خود به نتانیاهو اشاره دارد در حالی که تابوتی را که پرچم فلسطین روی آن است، در کوره آدم‌سوزی قرار می‌دهد، تابلوی بالای کوره نشانگر بازداشتگاه آشویتس در لهستان است و اشاره به هولوکاست دارد؛ هولوکاستی که حتی در صورت اثبات، اسرائیل به سبب آن به جای اینکه از مسبب جنگ جهانی دوم بخشی برای یهودیان بگیرد، با کشتار و آواره کردن مردم فلسطین، این کشور را اشغال می‌کند؛ کشوری که در طول جنگ جهانی دوم بی‌طرف بود! و کشور جعلی اسرائیل رسماً در سال ۱۹۴۸ تأسیس می‌شود.

کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» رونمایی می‌شود

بازی‌های کودکی کرمان و کودکی‌های سردار سلیمانی در این کتاب ارائه شده است

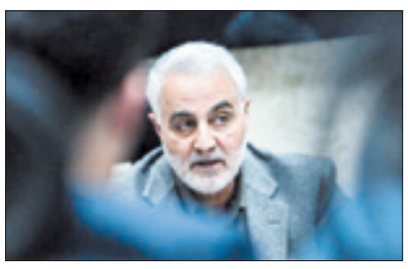

محمد حسین‌خانی در خصوص کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» با بیان اینکه در ابتدا محوریت این کتاب دوران کودکی سردار بود، گفت: با شهادت سردار سلیمانی محور کار را تغییر دادیم و به سمت زندگینامه وی رفتیم که به زودی رونمایی خواهد شد.

به گزارش ایبنا، برنامه «صبح و گفت‌وگو» رادیو گفت‌وگو با محمد حسین‌خانی، دوست، همرزم و همشهری سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و نویسنده کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» به صورت تلفنی گفت‌وگو کرد. محمد حسین‌خانی در آغاز با اشاره به کتاب «من قاسم سلیمانی هستم»، گفت: از چند سال قبل در حوزه شهدای کرمان قلم می‌زدم و کتاب‌های متعددی را در این حوزه نوشته‌ام. با توجه به اینکه سردار سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله در دوران دفاع مقدس و به عنوان بزرگ استان کرمان در بحث رزم و ادبیات پایداری مطرح بودند در خصوص این کتاب‌ها معمولاً با وی هماهنگی داشتم و می‌توان گفت ناظر اصلی این کتاب‌ها سردار سلیمانی بودند.

وی افزود: سردار بعد از خواندن کتاب‌ها نظرات خود را به ما می‌دادند که در چه حوزه‌ای و در کجا ضعف داریم و در کجا مطالبی را اضافه کنیم یا احیاناً کم شود. این ارتباط ادامه داشت تا در ایام تاسوعای حسینی وی را دیدم و چند کتاب خدمت‌شان هدیه کردم و قرار گذاشتیم در تهران همدیگر را ببینیم. در آخرین ملاقاتی که در تهران با وی داشتم قرار شد بازی‌های کودکی منطقه خودمان را در قالب داستان کودکی یک قهرمان ارائه کنم. محوریت این کتاب دوران کودکی سردار بود. نویسنده کتاب «من قاسم سلیمانی هستم» اظهار کرد: با شهادت سردار سلیمانی محور کار را تغییر دادیم و به سمت زندگینامه وی رفتیم و سیر مراحل زندگی سردار از تولد تا شهادت و ۴۰سال زندگی جهادی سردار رشید اسلام را در قالب یک کتاب داستان کودک با تصویرگری آرزو آقابابائیان عرضه می‌کنیم که به زودی رونمایی خواهد شد.

حسین‌خانی در رابطه با مستندات این کتاب گفت: از دوران کودکی تاکنون سردار به عنوان اسطوره‌ام بودند و یادم نمی‌رود که سردار سلیمانی در جایی سخنرانی کرده باشد و من به نحوی سخنرانی وی را گوش نکرده باشم. همرزم سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی در پایان گفت: بنده هم‌محلی سردار هستم و آداب و رسوم آنجا را می‌شناسم و در دوران دفاع مقدس نیز همرزم وی بودم و در مأموریت‌های مختلف همراهش حضور داشتم. فکر می‌کنم برای نوشتن یک کتاب کودک که قهرمان کشور را به فرزندان ما معرفی می‌کند، استناداتم کافی است.